

گسترش اعتراضات  
مردمی و پاسخ دولت

محمد رضا هویدا

در روزهای اخیر موجی از اعتراضات مردمی و جامعه مدنی نسبت به شماری از حوادث رخ داده است. حرکت های مختلفی برای دادخواهی از دولت نسبت به قتل فرخنده انجام شده که مردم خواستار اجرای عدالت در مورد مجرمین در این قضیه هستند. حرکت های مختلف دیگری نیز در بخش هایی از کشور در ارتباط به ۲۱ اسیری که از سوی طالبان و یا داعش ربوده شده اند و دولت نتوانسته تا کنون کاری در مورد رهایی آنها انجام دهد، به وقوع پیوسته است. مظاهرة در مزار شریف، تحصن در مقابل پارلمان و تحصن در نزدیکی ارگ ریاست جمهوری در کابل حرکت های دادخواهانه ای هستند که از حکومت می خواهد نسبت به وظایف خود عمل کند. از سوی دیگر، روز گذشته اسنفل در کابل در حرکتی اعتراضی نسبت به افزایش مالیه در کشور اعتصاب و مظاهرة کردند. معترضین از بلند رفتن مالیه در حالی که بازار با رکود مواجه است و خرید و فروش اجناس از پایین ترین سطح خود قرار دارد و بیکاری و فقر بیداد می کند، شکایت دارند. شکایت دیگری معترضین برخورد مأموران حکومتی با مردم در قسمت اخذ مالیه است. مردم می گویند شمار زیادی از مأموران مالیه در صورت دریافت رشوه در ارقام مالیه تغییر می آورند و اگر مردم به آنها مالیه ندهند، آنان مبلغ قابل پرداخت را بلند گزارش می دهند.

دانشگاه بامیان نیز دو روز پیش، شاهد مظاهرة دانشجویان بود که از وضعیت نابسامان دانشجویان در این دانشگاه و عدم رسیدگی برای بهبود وضعیت آنان شکایت داشتند. در عین حال مظاهرة ای در خوست جریان دارد که مردم علیه والی دست به اعتراض زده اند.

حرکت های مدنی در کشور، از یک سو این موضوع را نشان می دهند که مردم افغانستان برای رسیدن به خواست هایشان راه های مسالمت آمیز و مدنی را جستجو می کنند. مردم همان گونه که از انتخابات برای رسیدن به اهداف شان و تغییر در قدرت استفاده می کنند از روش های اعتراضی مسالمت آمیز و مدنی برای ابراز نظر و فشار بر دولت برای گردن نهادن به خواست آنها استفاده می کنند.

از سویی دیگر، گسترش این اعتراضات، بلوغ سیاسی و اجتماعی مردم را نیز نشان می دهد و اینکه آنها در مورد سرنوشت شان حساس هستند و نمی توانند بی تفاوت بمانند. همان گونه که در مواقع مختلف و در حوادث گوناگون مردم افغانستان در کنار یکدیگر به دادخواهی و اجرای عدالت پایاخواستند.

عکس العمل دولت در برخورد با خواست های مدنی متفاوت بوده است. ولی در کل نوعی بی تفاوتی به خواست های مدنی در کل در برخورد دولت دیده می شود. تنها در قضیه کشته شدن فرخنده که واقعا یک واقعه فجیع و بدور از اخلاق انسانی بود و با واکنش بسیار شدید مردمی مواجه شد، عکس العمل دولت نسبتا قابل توجه و قابل قدر است، همان گونه که در قضیه تجاوز گروهی بر چند زن در پغمان نیز عملکرد دولت سریع و قابل قبول بود. اما دولت در برخورد با خواست ها مدنی دیگر که به زندگی اجتماعی در این کشور ارتباط دارد، نتوانسته پاسخ قانع کننده ای بدهد. بیش از یک ماه از ربوده شدن ۲۱ انسان بی گناه توسط طالبان یا داعش می گذرد ولی تا کنون هیچ اثری از پیشرفت در این قضیه دیده نمی شود، در موارد دیگر نیز مردم بیشتر با بی توجهی و سکوت دولت روبرو می شوند.

معمولا حرکت های مدنی در صورتی که جواب مثبت بگیرند، فرهنگی را پایه گذاری و تقویت می کنند که مردم بتوانند از راه های مسالمت آمیز و مدنی به درخواست های شان بپردازند ولی در صورتی که با بی توجهی دولتمردان روبرو شوند و در عین حال متوجه شوند که دولتمردان بیشتر به فشارهای غیر قانونی تن می دهند، مردم از حکومت دلسرد شده و حد اقل از نظر ذهنی ترجیح می دهند به زمانی خواست های شان را بیان کنند که حکومت آن را قبول دارد و یا می فهمد.

دولت افغانستان نباید نسبت به این حرکت ها با سکوت و بی تفاوتی برخورد کند و نباید فکر کند که با سیاست سهل انگاری و مسامحه و بی توجهی راه به جایی می برد.

یک سال پیش در چنین روزهایی میلیون ها شهروند با تحمل سختی ها و به جان خریدن تمام خطرها و تهدیدهای مخالفین مسلح، به پای صندوق های رای رفتند تا با انتخاب رئیس جمهور جدید، صفحه های تازه و روزنه روشن را برای آینده سیاسی کشور بگشایند. سال گذشته، در شرایطی که مردم از ناآرامی حکومت کرزنی خسته شده و به جان آمده بودند، بسیاری از رای دهندگان گمان می کردند که با شرکت در انتخابات حکومتی مقتدر، مسئول و کارآمد را با استفاده از برگه های رای خود بوجود خواهند آورد؛ مردم امیدوار بودند که در پرتو چنان حکومتی منتخب نه تنها کاستی ها و ناآرامی های گذشته جبران خواهد شد بلکه معیشت، زندگی و کاروبار شان نیز بهتر گردیده و رونق خواهد گرفت. در واقع مردم سومین دور انتخابات ریاست جمهوری را نقطه عطف تغییر مثبت در سیاست و زندگی شان تلقی می کردند. یکی از دلایل اساسی حضور میلیون ها رای دهنده به پای صندوق های رای نیز تصور نمودن چنان رویاهایی بود تا شاهد تحقق این رویاهای خوش باشند. البته بدون شک از این که انتخابات در فضای نسبتا امن برگزار شد و برای اولین بار در تاریخ سیاسی کشور، قدرت سیاسی به شکل مسالمت آمیز و بدون جنگ و خشونت انتقال یافت، سومین دور انتخاب ریاست جمهوری از ویژگی مثبت و قابل قبولی برخوردار بود. در این روز مردم تا نشان دادند که قواعد و هنجارهای بازی دموکراتیک را پذیرفته اند و برای عبور از وضعیت بحرانی و راکد و شرایط خسته کننده ناآرامی برای ایجاد یک حکومت مسئول و پاسخگو و خدمت گزار با تمام توان و پذیرفتن همه خطرها و تهدیدها در میدان حاضر هستند. در یک نگرش واقع بینانه مردم ما از سویی حق داشتند که چنان شجاعت و ریسک جندی را استقبال نمایند و دست به کار انتخاب بزنند. چون انتخاب دموکراتیک و برگزاری انتخابات برای تحقق بخشیدن به آمال و آرزوهای

دیرینه و پایان بخشیدن به دهه ها جنگ و خشونت و گردش مسالمت آمیز قدرت از مجاری دموکراتیک تنها گزینه مطمئن بود و این تجربه ای بود که حداقل در دوره های قبل هم نتایج مثبت آن قابل لمس و در دسترس قرار داشت. اما متأسفانه روند انتخابات و تپی از چالش های پیاپی و تکان دهنده آن جامعه را در برگرفت تنها برای آن سخت بود و باورش مشکل؛ بلکه امروز نیز، با گذشت یک سال، تب چنان انتخابات جنجالی دست از سر مردم ما برنداشته و زندگی را بر کام شهروندان تلخ ساخته است. زیرا در بجنوحه جنجال ها و رسوایی های انتخاباتی شاهد ایجاد حکومتی گردیدیم که نه بر بنیاد رای مردم، بلکه از روی ناگزیری و ناچارگی و دخالت مستقیم دیگران بر اساس یک توافق سیاسی به میان آمد. حکومتی با ساختار فوق العاده شکننده، ائتلاف های بنیادین و سیاست ها و برنامه های ناهماهنگ و متضاد که به اندک ترین خواست ها و اولویت های کشور توجه نشان نداده و به آن رسیدگی نمی تواند. به تعبیر دقیق تر یک سال سپری شده پس از انتخابات را می توان این گونه دسته بندی نمود: شش ماه نخست را برپایی جنجال های انتخاباتی و شش ماه بعدی که شامل عصر حکومت وحدت ملی می گردد نیز بدون دست آوردی برای مردم، حتما نه بود یک ساختار اداری کامل و وجود سرپرستی ها در وزارت خانه ها و والی ولایت ها و بخش های دیگر و...هم چنین از میان صدها وعده ای که رهبران حکومت وحدت ملی در روزهای تبلیغات انتخاباتی و پس از آن به مردم داده بودند، شاید به موارد معدود و اندک و ناچیز رسیدگی شده است.

اما در برابر وضعیت جاری نشان می دهد که تب انتخابات و نابسامانی های آن هم چنان بالای جان مردم گردیده و دست از جان و روح مردم بر نداشتنه است. بطور مشخص در این باره می توان گفت در مرحله اول وضعیت امنیتی کشور نه تنها بهبود نیافته است بلکه بدتر از سال

عبدالله هروی



در شرایط کنونی نیز نهادهای انتخاباتی افغانستان به خاطر رسوایی های انتخاباتی و تقلب گسترده، هم چنان بی اعتبار مانده و چالش آوردن اصلاحات در قوانین و ساختارهای آن با بر جای می باشد. سخن نهایی این که پس از گذشت یک سال از انتخابات ریاست جمهوری و ایجاد حکومت وحدت ملی، بجای این که مردم انگیزه و شوق موفقیت و دست آورد خود را جشن گرفته و با خاطرات فراموش نشدنی و به یادماندنی یاد نمایند هم چنان در تب سوزناک خاطرات گذشته می سوزند و شرایط ناگوار و طاقت فرسای کنونی را بالا اجبار تحمل می نمایند. آسان اعتماد و بساور خود را به زمامداران کاملا از دست داده اند.

در مقابل رهبران جدید نیز پس از یک سال از انتخابات ریاست جمهوری، هیچ پاسخی برای مردم ندارند. آن ها در برابر مردم سرشکسته و محکوم هستند شاید چنین انتخاباتی و چنین حکومتی در تاریخ سیاسی کشور ها و ملت ها کم سابقه باشد.

ساخته اند. اما تاکنون در مبارزه با فساد اداری و آوردن حکومت داری خوب که از خواست های اصلی مردم بود، تا هنوز هیچ گام جدی برداشته نشده است. در عرصه اقتصادی و معیشتی مردم چالش ها و کاستی های بسیار جدی و تکان دهنده ای وجود دارد. یعنی این که اقتصاد مردم در پی بن بست های انتخاباتی نبود حکومتداری خوب صدمه های جدی دیده است، وضعیت تأسف بار که نه تنها تا هنوز ترمیم نشده است بلکه روز بروز هم وخیم تر شده می رود. در شرایط کنونی هم اکنون صدها میلیون دالر از سرمایه گذاری های خارجی و داخلی به خاطر بن بست های انتخاباتی و نگرانی از آینده ی سیاسی از کشور خارج شدند و صنعت کاران و تاجران، دست از کار و فعالیت کشیده اند. نگران کننده تر از همه این که آسیبی که به اعتماد مردم درباره انتخابات و صیانت از آراء شان بوجود آمده است شاید به دشواری قابل ترمیم باشد. دیوار عدم اعتماد میان مردم و مسئولین به بلندای آسمان کشیده شده است.

چالش ها و تهدیدهای تازه ی امنیتی در برابر حکومت و مردم هم چنان وجود دارد و حتا چالش های تازه تر نیز ظهور کرده و طالبان و مخالفین مسلح به مراتب از گذشته قدرتمندتر شده اند. چنانچه اظهارات مقام های رسمی نیز تایید می نماید که گروه نوظهور داعش نیز بر صف و شمار مخالفین حکومت افزوده شده است. در مرحله بعدی روند گفتگو و مصالحه با مخالفین به عنوان اولویت بنیادین حکومت، هنوز هم بی برنامه و مبهم است. هرچند در این باره سخن ها و امیدواری های از حذفون داده شده و گفته شده است اما در عرصه عمل و در عینیت جامعه و سیاست هیچ نشانه ای مطمئن از آن دیده نمی شود. هم چنین یکی از داعیه های اساسی و مهم سران حکومت وحدت ملی در دوران تبلیغات و پس از آن مبارزه با فساد گسترده در کشور بوده است. خواسته ای که حامیان بین المللی نیز تصادم حمایت خود را مشروط به آن

## دولت در بحران

محمد رفیع محمودیان / قسمت اول

وجهی عادلانه به اقدامات نیروهای انتظامی ببخشند. هر چند گاه یکبار، احکام قضائی و برخورد های پلیس در بررسی های انتقادی رسانه های همگانی و توده های جوان معترض دلخواهی جلوه می کنند. دولت برای بخشهایی از جامعه



دیگر نه مظهر عدالت که دستگاهی آکنده از برخورد های تبعیض آمیز است. بطور کلی، درست در آن زمینه هائی که شهروندان انتظار دارند، دولتها عاجز از ارائه کارنامه های مثبت و مفید هستند. انتظارات از دولت زیاد است. دولت دستگاهی قدرتمند، هدفمند و چابک دانسته می شود که می تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی و اقتصادی را حل کند. نهادمند و عقلانی بودن آن جنبه مثبت وجود آن بشمار می آید. انسانها خود را به سان کنشگرانی متأثر از شور و احساسات گذرا می بینند. جامعه بیش از پیش پویا و از هم گسیخته شده است و یک کلیت یگانه را تشکیل نمی دهد. نظام اقتصادی سرمایه داری نیز دارای مرکز یا ستادی نیست که آنرا رهبری کند و پی در پی دچار بحرانهایی می شود که در اصل خود می آفریند. در این شرایط دولت در کانون توجه و امید قرار گرفته است. دموکراسی نمایندگی و احساس آنکه دولت نماینده شهروندان است بر انتظار از پاسخگویی از دولت افزوده است. ولی از سوی دیگر مشکلاتی همچون بحرانهای اداری اقتصادی، تصادم رکود، شتاب تحولات اجتماعی ماندارگر تر و خودانگیخته تر از آن هستند که نیروی برونی، چه دولت و چه نیروی دیگر، بتواند آنرا رفع کند. در مواجهه با بحران، دولت کوشیده و می کوشد تا برخی از وظایف خود را به خود شهروندان یا نهادهای مدنی واگذار کند، ولی این بیشتر همچون حرکتی از سر استیصال دیده می شود تا حرکتی از سر اقتدار و دلسوزی برای جامعه و شهروندان..... پایان قسمت اول

است. هر گونه کمرسی با نقد نظری، سوء ظن و شورش روبرو شده و این خود بر کارکرد دولت اثر می نهد. جنبه های گوناگون بحران برای بازشناسی تمامی این مشکلات لازم است و توجه بحران دولت را یک به یک

بگذارند. اقدامات مراقبتی دولت به شکل چشمگیری افزایش می یابند و افشای آن ابروی دولت را می برد ولی بی ابرویی به نیروهای حاکم بر دولت همه جا حضور دارد و همه جا نیز قدرت خود را به رخ می کشد ولی دیگر دقت و تیز بینی خود را از دست داده و به گاه حرکت بسیاری را زیر می گیرد و له می کند. هر چند هنوز در کشورهای غربی نهادی نسبتا پاک و سالم باقی مانده ولی دیگر از آن کمتر حرکتی در زمینه های پاکتر و سالمتر شدن سر می زنند. در دیگر بخشهای جهان پرونده آن پر از فساد و سیاه کاری است. حتی در کشورهای غربی نیز اجزائی از بدنه آن به گل و لای، اگر نه لجن، بی عدالتی و تند روی آلوده شده است. پلیس و قوه قضائی آمریکا، فرانسه و انگلیس دیری است متهم به برخوردی نژاد پرستانه با اقلیت های نژادی و توده های مهاجر هستند. واکنش توده های محروم به حاشیه رانده شده نیز شورشهای شهری با به چالش خواندن نقش پلیس و دیگر نیروهای مراقبتی است. رشد تکنیک و افزایش تهدید بنیادگرایی، آنرا به گسترش دستگاه های مراقبتی خود برانگیخته است. کار اصلی آن اکنون جاسوسی در زندگی خصوصی و اجتماعی همه شهروندان شده است. افشای اقدامات آن که نه بوسیله نیروهای رادیکال بلکه به دست تکنوکراتها و اعضای معمولی طبقه متوسط صورت گرفته بیش از پیش آن را بی آبرو ساخته است.

بحران در دولت را همه جا از ما پنهان می سازند. رسانه ها و احزاب، وحشترده از آن که آشکار شدن ایجاد بحران چه هراسی را در دلها ایجاد کند، آنرا به صورت بحران در کارگردار این یا آن دولت معین و بیش از آن بحران در سیاست یا برنامه این یا آن گرایش سیاسی باز می نمایند. بحران فقط مختص دولت عراق و سوریه در پیامد حمله آمریکا و خیزش مردم دانسته می شود. وضعیت وخیم دولت در آمریکا، فرانسه و سوئد بحران دولت دانسته نشده و نتیجه سیاستهای اعمال شده از سوی دولت یک دوره معین و نیروهای مسلط بر دولت قلمداد می شود. مشروعیت کاهش یافته دولت به حساب نادرستی و ناآرامی سیاستهای اعمال شده از سوی یک دولت معین گذاشته می می شود. در هر انتخابات نیز شهروندان خواسته می شود تا با حضور پای صندوق های رای نقطه پایانی بر بحران مشروعیت دولت و ورشکستگی سیاستی اتخاذ شده از سوی سیاستمداران معین

گسیختگی، برنامه های سیاستمداران را ناکارآمد و پر از تناقض جلوه می دهد. در گسترده گی خسور و قدرت دولت در جهان معاصر جای هیچ تردیدی نیست. همه جا حضور دارد و همه جا نیز قدرت خود را به رخ می کشد ولی دیگر دقت و تیز بینی خود را از دست داده و به گاه حرکت بسیاری را زیر می گیرد و له می کند. هر چند هنوز در کشورهای غربی نهادی نسبتا پاک و سالم باقی مانده ولی دیگر از آن کمتر حرکتی در زمینه های پاکتر و سالمتر شدن سر می زنند. در دیگر بخشهای جهان پرونده آن پر از فساد و سیاه کاری است. حتی در کشورهای غربی نیز اجزائی از بدنه آن به گل و لای، اگر نه لجن، بی عدالتی و تند روی آلوده شده است. پلیس و قوه قضائی آمریکا، فرانسه و انگلیس دیری است متهم به برخوردی نژاد پرستانه با اقلیت های نژادی و توده های مهاجر هستند. واکنش توده های محروم به حاشیه رانده شده نیز شورشهای شهری با به چالش خواندن نقش پلیس و دیگر نیروهای مراقبتی است. رشد تکنیک و افزایش تهدید بنیادگرایی، آنرا به گسترش دستگاه های مراقبتی خود برانگیخته است. کار اصلی آن اکنون جاسوسی در زندگی خصوصی و اجتماعی همه شهروندان شده است. افشای اقدامات آن که نه بوسیله نیروهای رادیکال بلکه به دست تکنوکراتها و اعضای معمولی طبقه متوسط صورت گرفته بیش از پیش آن را بی آبرو ساخته است.

بحران در دولت را همه جا از ما پنهان می سازند. رسانه ها و احزاب، وحشترده از آن که آشکار شدن ایجاد بحران چه هراسی را در دلها ایجاد کند، آنرا به صورت بحران در کارگردار این یا آن دولت معین و بیش از آن بحران در سیاست یا برنامه این یا آن گرایش سیاسی باز می نمایند. بحران فقط مختص دولت عراق و سوریه در پیامد حمله آمریکا و خیزش مردم دانسته می شود. وضعیت وخیم دولت در آمریکا، فرانسه و سوئد بحران دولت دانسته نشده و نتیجه سیاستهای اعمال شده از سوی دولت یک دوره معین و نیروهای مسلط بر دولت قلمداد می شود. مشروعیت کاهش یافته دولت به حساب نادرستی و ناآرامی سیاستهای اعمال شده از سوی یک دولت معین گذاشته می می شود. در هر انتخابات نیز شهروندان خواسته می شود تا با حضور پای صندوق های رای نقطه پایانی بر بحران مشروعیت دولت و ورشکستگی سیاستی اتخاذ شده از سوی سیاستمداران معین

بحران در دولت را همه جا از ما پنهان می سازند. رسانه ها و احزاب، وحشترده از آن که آشکار شدن ایجاد بحران چه هراسی را در دلها ایجاد کند، آنرا به صورت بحران در کارگردار این یا آن دولت معین و بیش از آن بحران در سیاست یا برنامه این یا آن گرایش سیاسی باز می نمایند. بحران فقط مختص دولت عراق و سوریه در پیامد حمله آمریکا و خیزش مردم دانسته می شود. وضعیت وخیم دولت در آمریکا، فرانسه و سوئد بحران دولت دانسته نشده و نتیجه سیاستهای اعمال شده از سوی دولت یک دوره معین و نیروهای مسلط بر دولت قلمداد می شود. مشروعیت کاهش یافته دولت به حساب نادرستی و ناآرامی سیاستهای اعمال شده از سوی یک دولت معین گذاشته می می شود. در هر انتخابات نیز شهروندان خواسته می شود تا با حضور پای صندوق های رای نقطه پایانی بر بحران مشروعیت دولت و ورشکستگی سیاستی اتخاذ شده از سوی سیاستمداران معین

بحران در دولت را همه جا از ما پنهان می سازند. رسانه ها و احزاب، وحشترده از آن که آشکار شدن ایجاد بحران چه هراسی را در دلها ایجاد کند، آنرا به صورت بحران در کارگردار این یا آن دولت معین و بیش از آن بحران در سیاست یا برنامه این یا آن گرایش سیاسی باز می نمایند. بحران فقط مختص دولت عراق و سوریه در پیامد حمله آمریکا و خیزش مردم دانسته می شود. وضعیت وخیم دولت در آمریکا، فرانسه و سوئد بحران دولت دانسته نشده و نتیجه سیاستهای اعمال شده از سوی دولت یک دوره معین و نیروهای مسلط بر دولت قلمداد می شود. مشروعیت کاهش یافته دولت به حساب نادرستی و ناآرامی سیاستهای اعمال شده از سوی یک دولت معین گذاشته می می شود. در هر انتخابات نیز شهروندان خواسته می شود تا با حضور پای صندوق های رای نقطه پایانی بر بحران مشروعیت دولت و ورشکستگی سیاستی اتخاذ شده از سوی سیاستمداران معین

## کارتون روز



فاز – بیکلری و گوانی

روزنامه افغانستان  
The Daily Afghanistan

مدیر مسوول: محمد رضا هویدا

سردبیر: حقیقت الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی

مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanstan.com

Email: thedailyafghanstan@yahoo.com